

ارکان ایمان و آثار فردی و اجتماعی آن در حکمت ۳۱ نهج البلاغه

رقیه یاوری^۱

چکیده

حکمت 31 نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی (ع) در پاسخ به سوالی در مورد ارکان ایمان، به ترتیب صبر، یقین، عدل و جهاد را معرفی میکنند. و در گام بعد برای هرکدام از آن ارکان، پایه هایی را معرفی می نمایند آنچه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این بخش از سخنان پرمعنایش درباره ارکان ایمان و شاخه های آن بیان فرموده، علاوه بر این که راه رسیدن به ایمان کامل را برای تمام رهپویان این راه نشان داده، در واقع اصول موفقیت و پیشرفت برای هر کار را بیان کرده است. بررسی های انجام شده در این مقاله از هر یک از رکن و پایه های ایمان توضیح داده شده و در مورد هر یک از آثار فردی و اجتماعی آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در همین راستا این پژوهش به شیوه توصیفی- تحلیلی و با استفاده از مهم ترین منابع اسلامی یعنی کتاب نهج البلاغه و همچنین کتاب های لغوی و حدیثی شیعه به بررسی این مهم پرداخته است و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی جمع آوری گردیده است. نتیجه اینکه هرکس از ایمان واقعی برخوردار باشد، در تمام مراحل و سختی های دنیا صبور و استوار بر مصیبت های دنیا، دوری کردن از حرام ها، عبرت آموز از گذشتگان، درست اندیشیدن..... را در پیش رو میگیرد.

واژگان کلیدی: ایمان، صبر، عدل، یقین، نهج البلاغه

¹ دانش آموخته سطح 2 حوزه، مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خاوران، قم،
yavari13661366@gmail.com

مقدمه

امام علی(ع) در حکمت 31 نهج البلاغه تفسیری برای ایمان ذکر کرده که در هیچ منبع دیگری به این گستردگی و وضوح دیده نمی شود؛ ایمان را فراتر از جنبه های عقیدتی، از جنبه های عملی و رفتاری نیز مورد توجه قرار داده است و تمام ریزه کاری ها و نکات دقیقی را که در تشکیل ایمان مؤثر است برشمرده است. نخست ایمان را بر چهار پایه و هر یک از پایه ها را بر چهار پایه دیگر استوار دانسته که مجموعاً شانزده اصل از اصول ایمان (عقیدتی و عملی) را تشکیل می دهد و به یقین اگر کسی بتواند این اصول شانزده گانه را در خود زنده کند در اوج قله ایمان قرار خواهد گرفت و چنین ایمانی است که می تواند دنیا را به سوی امنیت و آرامش و عدل و داد رهبری کند و انسان را به مقام قرب پروردگار و اوج افتخار انسانی برساند.

با توجه به جستجوی نگارنده در سامانه های علمی و وبگاه های اینترنتی تصریح می شود که مقاله ای در خصوص این موضوع با چنین عنوانی پیدا نشد، اما درباره انواع ارکان ایمان و همچنین آثار فردی و اجتماعی هر کدام بصورت جداگانه کتاب ها و تحقیقات متعددی یافت شده است که از جمله آنها: کتاب «کیش پارساییان» از مجتبی تهرانی و مقاله «آثار روحی و روانی ایمان» از عباس الهی و «بررسی ارزش شناسی حکمت 31 نهج البلاغه» از محمدرضا یغفوری ... را می توان نام برد.

مقاله حاضر، تحت عنوان ارکان ایمان و آثار فردی و اجتماعی آن در حکمت 31 نهج البلاغه در سه بخش مورد بررسی قرار گرفته است. بخش اول: مفهوم شناسی، بخش دوم: توضیح ارکان ایمان و بخش سوم: آثار فردی و اجتماعی ارکان ایمان

1. مفهوم شناسی:

ایمان:

ایمان در مفهوم اعتقاد قلبی به خداوند از واژه های کلیدی نهج البلاغه به شمار می رود که در مجموع (به همراه مشتقات آن) حدود ۱۵۰ بار از آن سخن به میان آمده است. آموزه های نهج البلاغه ایمان

را معرفت به قلب اقرار به زبان و عمل به ارکان میدانند.^۱ ایمان از امن است که برخی یک اصل معنایی یعنی (سکون نفس، امنیت و ضد خوف) و برخی دو اصل معنایی برای آن قائل اند، یعنی افزون بر معنای اول، معنای (تصدیق) را نیز بدان افزوده اند. برای ایمان دو معنا ذکر شده است: نخست: ایمان آوردن، تصدیق و پناه دادن. دوم: امنیت بخشیدن.^۲ اما در اصطلاح ایمان، ناظر به معنای تصدیق و تسلیم است. در نهج البلاغه نیز، حقیقت ایمان را تصدیق و اذعان به نورهای بنیادین دینی مانند خدا، پیامبر (ص) و امامان (ع) دانسته اند. البته حقیقت ایمان توحید قلمداد شده است.^۳

2. ارکان ایمان در حکمت ۳۱ نهج البلاغه:

در نهج البلاغه آمده است: از حضرت تقاضا کردند درباره ی ایمان برای آنها صحبت کند. فرمود: ایمان روی چهار پایه استوار است. منظور از چهار پایه این است که اگر پایه ها محکم بود، ایمان رو می ماند؛ اما اگر پایه ها سست شد یا فرو ریخت، ایمان به همان نسبت فرو می ریزد. به طور کامل ساقط نمی شود، اما به همان نسبت فرو می ریزد.^۴ حضرت این چهار پایه را بیان فرمودند:

1-2 صبر: صبر در لغت، به معنای بازداشتن و در تنگنا و فشار قرار دادن نفس است.^۵ و در اصطلاح، یعنی پایداری انگیزه دینی در برابر انگیزه های نفسانی و شیطانی.^۶ امام علی (ع) می فرماید: «صبر از میان آنها، بر چهار شعبه استوار است ((اشتیاق، ترس، زهد و انتظار)) «شوق» به معنای علاقه و اشتیاق به چیزی و «شفق» در اصل به معنای آمیخته شدن روشنایی روز به تاریکی شب است، سپس به ترس آمیخته با علاقه به کسی یا چیزی به کار رفته است و «زهد» عدم وابستگی به دنیا و زخارف دنیاست و «ترقب» به هرگونه انتظار گفته می شود. امام بیان می فرمایند: ((آن کس که مشتاق بهشت باشد، شهوات و تمایلات سرکش را به فراموشی می سپارد. و آن کس که از آتش جهنم بیمناک شد، از گناهان دوری می گزیند. و کسی که زاهد و بی اعتنا به دنیا باشد، مصیبت ها را ناچیز می

^۱ نهج البلاغه، حکمت 237

^۲ دین پرور و جمعی از نویسندگان بنیاد نهج البلاغه، دانش نامه نهج البلاغه، ج 1، ص 156

^۳ همان، ص 157

^۴ نهج البلاغه، حکمت 31، ص 629

^۵ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 273

^۶ غزالی، کیمیای سعادت، ج 2، ص 345 و 346

شمرده و آنکس که انتظار مرگ را می کشد، برای انجام اعمال نیک سرعت می گیرد.) امام علاوه بر سه شاخه معروف صبر، شاخه چهارمی هم در اینجا بیان فرموده و آن صبری است که، از انتظار مرگ ناشی می شود؛ کسی که در هر لحظه احتمال می دهد پرونده حیاتش بسته شود و پنجه مرگ گلایش را بفشارد، با سرعت به سوی کارهای خیر می دود تا در فرصت باقی مانده کفه عمل صالح خود را سنگین سازد. و این نیاز به صبر و استقامت فراوان دارد.¹

2-2. یقین: یقین در لغت، علم است که نقطه مقابل (شک) می باشد. و طبق آنچه از اخبار و روایات استفاده می شود به مرحله عالی ایمان (یقین) گفته میشود. و در اصطلاح، یقین اعتماد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت می باشد و به هیچ وجه امکان زوال و احتمال خلاف در او راه ندارد. به طوری که انسان همه چیز را از مسبب و الاسباب بداند و به اسباب توجه نکند بلکه واسطه ها را مسخر حق و فاقد هر حکم و قدرتی بداند، و کسی که بر این اعتقاد باشد دارای یقین است.² امام علی(ع) از شاخه های یقین سخن می گوید و می فرماید: «یقین بر چهار شاخه استوار است: بر بینش هوشمندانه و عمیق، پی بردن به حقایق حکمت، پند گرفتن از عبرت ها و اقتدا به روش پیشینیان (صالح).» هنگامی که انسان این چهار شعبه را پیگیری کند و از آنها بهره کافی ببرد به مقام یقین میرسد.

2-3. عدل: عدل، به معنای برابری است و آنچه که ذکر شده است از قبیل فدیة، مثل، ضد جور همه از مصادیق عدل هستند.³ امام علی(ع) به سراغ شاخه های عدالت می رود و چنین میفرماید: ((عدالت نیز چهار شعبه دارد: فهم دقیق، علم و دانش عمیق، قضاوت صحیح و روشن، حلم و بردباری)) عدل، یعنی هر چیزی در جای خود قرار گرفتن. معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. در واقع کسی که بخواهد حکم عادلانه ای کند، نخست باید از قابلیت و استعداد شایسته ای در فهم موضوع برخوردار باشد تا هرگونه خطا در تشخیص موضوع موجب خطا در نتیجه حکم نشود. سپس آگاهی لازم را در ارتباط با حکم پیدا کند و آن را دقیقاً منطبق بر موضوع نماید، آن گاه حکم نهایی را به طور واضح و

¹ مکارم شیرازی، سایت ترجمه و شرح نهج البلاغه، بخش اول، حکمت 31

² غیاثی کرمانی، اوصاف و الاشراف، ج 3، ص 96

³ شرتونی، اقرب الموارد، ج 3، ص 493

روشن و خالی از هرگونه ابهام بیان کند و در این مسیر، موانع را با حلم و بردباری برطرف سازد. گرچه فهم به معنای مطلق دانستن و پی بردن به حقیقت است و با علم چندان تفاوتی ندارد؛ ولی چون در اینجا در مقابل علم قرار گرفته مناسب است که فهم ناظر به موضوع و علم ناظر به حکم باشد. اینها اموری است که امام، در عهدنامه مالک اشتر درباره قضاوت، با اضافاتی به آن اشاره کرده می فرماید: «سپس از میان رعایای خود برترین فرد را در نزد خود برای قضاوت در میان مردم برگزین. کسی که امور مختلف آنها را در تنگنا قرار ندهد و برخورد مخالفان و خصوم با یکدیگر او را به خشم و لجاجت وادارد و در لغزش و اشتباهاتش پافشاری نکند. و هنگامی که خطایش بر او روشن شود بازگشت به سوی حق بر او مشکل نباشد و نفس او به طمع تمایل نداشته باشد و در فهم مطالب به اندک تحقیق اکتفا نکند و تا پایان پیش رود و در شبهات از همه محتاط تر باشد و در تمسک به حجت و دلیل از همه بیشتر پافشاری کند، و با مراجعه مکرر اطراف دعوا کمتر خسته شود و در کشف حقایق امور شکیباتر باشد و به هنگام آشکار شدن حق در انشای حکم از همه قاطع تر باشد. او باید از کسانی باشد که ستایش فراوان، او را مغرور نسازد (و فریب ندهد) و مدح و ثنای بسیار او را به ثنا خوان و مدح کننده متمایل نکند و البته این گونه افراد کم اند.»^۱

4-2. جهاد: جهاد، جنگ مشروع در راه خداوند؛ به عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی است.^۲ و در اصطلاح جهاد، گونه ای خاص از تلاش است؛ یعنی مبارزه کردن در راه خدا با مال و جان و دارایی ها برای نبرد با کافران و مشرکان، با هدف گسترش اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از اسلام.^۳ امام علی(ع) از چهارمین پایه ایمان یعنی جهاد مانند سه پایه گذشته چهار شاخه ذکر می کند و می فرماید: «جهاد (نیز) چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در معرکه های نبرد، و دشمنی با فاسقان.»^۴

جهاد در زبان عربی، یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می کند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه

^۱ نهج البلاغه، نامه 53

^۲ فراهیدی، العین، ج 1، ص 78

^۳ نجفی، جواهرالکلام، ج 21، ص 3

^۴ نهج البلاغه، حکمت 31

کسی شوق به بهشت را در خود تقویت کند شهوات و تمایلات سرکش را به فراموشی می سپارد. و این همان حقیقتی است که در روایات آمده، صبر بر طاعت است.^۱

ب. دوری از گناه: امام علی(ع) دومین پایه صبر را، خوف بیان میکنند و میفرمایند: آن کسی که از آتش جهنم بیمناک شد از گناهان دوری میکند و برای انجام اعمال نیک سرعت میگیرد. و از گناهان و محرّمات دوری میکند. خوف یک مانعی است بزرگ در برابر گناهان، وقتی انسان از گناه دوری کرد، توجه او به خداوند زیاد میشود و با اعتماد به نفس بالا و با نشاط به زندگی ادامه میدهد.

ج. ساده پنداری مصیبت ها: امام علی(ع) میفرمایند: از نشانه های برخورداری از یقین، کوتاه کردن آرزو، اخلاص در عمل و زهد ورزی در دنیا میدانند؛ و همچنین میفرمایند: آن کس که به دنیا زاهد و بی اعتنا شد مصیبت ها را ناچیز می شمارد زاهد به معنای بی رقبتی به دنیا است از آنجا که بی تابی در برابر مصائب به دل بستگی های دنیوی است آن کس که زاهد و بی اعتنا به دنیا شد از این دل بستگی ها دور میشود و مصیبت در برابر او کوچک و صبر در برابر آن برای او آسان میشود.^۲

د. شتاب در نیکی ها: فردی که یقین دارد خدایی هست و جهنم را برای گنهکار مقرر داشته و یقیناً مرتکب گناه نمی شود. امام علی(ع) میفرمایند: آنکس که انتظار مرگ را میکشد برای انجام اعمال نیک سرعت میگیرد. اگر کسی در هر لحظه احتمال بدهد که پرونده حیاتش در حال بسته شدن است با سرعت به سوی کارهای نیک و خیر می دود تا در فرصتی که دارد اعمال صالح خود را زیاد کند. و این هم نیاز به صبر و استقامت فراوان دارد.^۳

2-3. آثار اجتماعی: یکی از مهمترین فوائد ایمان به خدا، سلامتی جسمانی می باشد. چرا که کسیکه به خداوند متعال ایمان دارد دستورات بسیار متعددی را که برای سلامتی بندگان خود در زندگی روزمره بیان نموده عمل می نماید. هنگامی که افراد جامعه بر اساس ایمان به خدا اهل رعایت

¹ نهج البلاغه، حکمت 4

² تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج 1، ح 1097 - لیثی واسطی، عیون الحکم، ص 27، ح 10234

³ نهج البلاغه، حکمت 31

حقوق دیگران بوده و تمامی جوانب اخلاق را رعایت نمایند بطور طبیعی چنین جامعه ای از فساد و انحرافات اخلاقی بدور خواهد بود .

الف. اصلاح امور جامعه در سایه عدالت ورزی: از آنجائی که امام، از حقایق زندگی و امور عینی اجتماعی و خواص آدمی از لحاظ تن و روح آگاه بوده و خود درعالم فقر زندگی کرده و با ناکامان نشست و برخاست داشته و در نتیجه دریافته است که چه چیز به اصلاح آنان مدد می رساند و چه چیز مایع فساد ایشان است؛ از این رو فرموده است: مردم را جز عدل اصلاح نمی کند.^۱ امام علی(ع) میفرماید: کسی که بینایی هوشمندانه داشته باشد دقایق امور و حکمت برای او روشن می گردد و آنکس که دقایق امور براو روشن شود عبرت را فرا میگیرد و کسی که درس عبرت را فرا گرفت مثل آن است که در همه مراتب با گذشتگان و پیشینیان بوده است.^۲

ب اصلاح امور جامعه در نیک اندیشیدن: کسی که امور مختلف دنیایی او را در فشار و تنگنا قرار نمی دهد و در برخورد با مخالفان او را به خشم و لجاجت و انمی دارد و اینکه در لغزش و اشتباهش پافشاری نمی کند هنگامی که خطایش بر او روشن شود و بازگشت به سوی حق برایش مشکل نمی باشد و در کشف حقایق امور شکیباتر است. آنگاه امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید: کسی که درست بیاندیشد، به اعماق دانش پی میبرد و کسی که به عمق دانش و علم برسد از سرچشمه احکام سیراب میگردد و آنکس که حلم و بردباری (صبر) پیشه کند گرفتار تفریط و کوتاهی نمی شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی می کند.^۳

ج. امر به معروف، نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر، صدق و راستی در هنگامه نبرد، کینه و دشمنی با فاسقان، آن که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را محکم کرده و آن که نهی از منکر کند، بینی کافران را به خاک مالیده و کسی که در میدان های نبرد صادقانه بایستند، وظیفه اش را انجام داده و آن که فاسقان را دشمن بدارد و به خاطر خدا خشم گیرد، خداوند به خاطر او

^۱ تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۸۱۵، ش ح ۴۶۱۱۲۸ و لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ج ۱، ص ۴۸، ش ح ۱۵۱۶۵۰

^۲ نهج البلاغه، حکمت ۳۱

^۳ همان

خشم کند و او را در روز قیامت خشنود خواهد. امام علی (ع) می‌فرمایند: ((همه اعمال خیر (نماز، روزه، حج، زیارت و...) حتی جهاد در راه خداوند همه در کنار امر به معروف و نهی از منکر مثل اب دهان است در دریای پهناور. و این اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را می‌رساند.))^۱

د. عدالت و تلاش و کوشش بیشتر: امام علی (ع) می‌فرماید: بی میلی به کار در حکومت ظالم به اندازه میل به کار است در حکومت عادل زیرا عدالت سازگار با فطرت انسان است و به او نشاط می‌بخشد و او را به کار و خدمت و انجام دادن آنچه بر او واجب است بر می‌انگیزد و ظلم، مخالف فطرت انسان است و او را از کار و خدمت و انجام دادن آنچه بر او واجب است، باز می‌دارد. اجرای عدالت، مردم را به فرمانبرداری وامی‌دارد یعنی اینکه ستمگری مردمان را به گردنکشی و نافرمانی یا آشکارا است که به پیدا شدن مفسد و هرج و مرج‌های اجتماعی می‌انجامد و یا غیر آشکار است که مفسد و زیان‌های بزرگ آن سراسر زندگی ملت را به اشکال وحشت‌انگیز فرا می‌گیرد.^۲

نتیجه:

از امام علی علیه السلام در مورد ایمان، سوال کردند حضرت فرمودند: الف: ایمان که بر چهار پایه استوار است: (صبر، یقین، عدل و جهاد). ب: صبر که نیز بر چهار پایه قرار دارد. (شوق، هراس، زهد و انتظار). آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد، و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند، و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده‌پندارد، و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد در نیکی‌ها شتاب می‌کند. ج: یقین نیز بر چهار پایه استوار است: (بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، و پیمودن راه درست پیشینیان). پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست، حکمت را آشکارا بیند، و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت‌آموزی را شناسد، و آن که عبرت‌آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است. د: عدل نیز بر چهار پایه بر قرار است: (فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو دآوری کردن و استوار بودن در شکیبایی). پس کسی که درست‌اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید، و کسی

^۱ نهج البلاغه، حکمت 374

^۲ حکیمی، الحیاء، ج 1، ص 609

که شکبیا شد در کارش زیاده روی نکرده با نیکنامی در میان مردم زندگی خواهد کرد. ذ: جهاد نیز بر چهار پایه استوار است: (امر به معروف، و نهی از منکر، راستگویی در هر حال، و دشمنی با فاسقان.) پس هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است، و آن کس که از زشتی ها نهی کرد، بینی منافقان را به خاک مالید، و آن کس که در میدان نبرد صادقانه پایداری کند حقّی را که بر گردن او بوده ادا کرده است، و کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشم گیرد، خدا هم برای او خشم آورد، و روز قیامت او را خشنود سازد.

منابع:

قرآن

نهج البلاغه

1. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم، 1410ق
1. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، دلیل ما، تهران، چ دوم، 1400 ش
2. دین پرور، جمال الدین و جمعی از نویسندگان بنیاد نهج البلاغه، دانشنامه نهج البلاغه، موسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴ش
3. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالشامیه، بیروت، 1412ق
4. شرتونی، سعید، اقرب الموارد، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، تهران، 1377ش
5. غزالی، محمد، کیمیای سعادت، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چ یازدهم، 1383 ش
6. غیاثی کرمانی، محمدرضا، اوصاف الاشراف، موسسه فرهنگی و انتشاراتی حضور، قم، ۱۳۸۲ش
7. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، موسسه دارالهجره، قم، چ دوم، 1402ق
8. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، دارالحديث، قم، چ اول، 1376ش
9. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، 1403ق
10. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امیرالمؤمنین، انتشارات امام علی بن اب طالب، قم، 1390ش
11. _____، سایت ترجمه و شرح نهج البلاغه، بخش اول، حکمت 31

12. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، 1981م